تعدد قرائات در المیزان

قبل از اینکه عبارت را بخوانم امروز برخورد کردم. دیروز صحبتی شد از اینکه مرحوم علامه طباطبایی رضواناللهعلیه در مهرتابان آن حرف را زده بودند. اما در المیزان به میدان آن نیامده بودند؛ این جور باز نشده. امروز به ذهنم آمد از کسانی که متأخر هستند روی المیزان کار تخصصی کرده ای نه. همینطور ما کار نکرده حرف نزنیم. یعنی از ایشان معروف نیست. برای من خیلی جالب بود. یک جستوجوی مختصر سه مقاله پیدا شد. دو تا از آنها که جانانه بود. یکی از آنها جمعبندی آنها بود که متأخر بود. در سال ۹۱ اولی چاپ شده بود. در سال ۹۳ مقاله دومش بهعنوان پایان نامه آمده. اگر در این شش-هفت سالی که ما مباحثه میکردیم اینها را دیده بودیم اصلاً جور دیگری می شد. حاج آقای حسن زاده گاهی تعبیری استفاده میکردند که پزش به هم خورد ای پزش ماند ای چنین پز داد. خدا رحمتشان کند این تعبیر ملیح را به کار میبردند. اگر ما در مباحثه این را دیده بودیم جور دیگری پزش میدادیم! اولین مقاله به نام روششناسی رویکرد علامه طباطبائی قده در اختلاف قرائات. عنوان دومی این است؛ تفسیر المیزان به قرائات غیر متداول. دومی از حیث استیعاب موارد نظم بهتری دارد. اینها را ببینید خیلی جالب است.

در مقاله اول میگویند آقای طباطبائی در صد و شصت مورد در المیزان مسأله اختلاف قرائات را مطرح کرده است. در مقاله بعدی میگویند در بیست مورد با قرائت حفص مخالفت کردهاند و غیر قرائت او را ترجیح دادهاند؛ بوجوه مختلف. مواردی از آنها که معنا عوض میشود. بعضی از چیزهایی که گفته بودند و امروز رفتم دیدم در ذهنم ماندهٔ. خیلی جالب است.

آقای طباطبایی در ذیل آیه «وَ لا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لا يُعْجِزُونَ[1]» میفرمایند:

«القراءة المشهورة «تحسبن» بتاء الخطاب[2]». در مصحف عاصم «لایحسبن» است. ایشان غیر قرائت عاصم را میگوید «القرائة المشهوره». این تعبیر در المیزان قشنگ تر است. میگویند «القرائة المشهوره» و بعد هم میگویند همین خوب است. میگویند قرائة مشهور خوب است. یعنی قرائت حفص را مرجوح میدانند. در بیست مورد در المیزان خلاف قرائت حفص را ترجیح دادهاند. در این مقالات آثار تفسیری بر آنها بار کردهاند. خب اینها خیلی مهم است. ما چطور میگفتیم آقای طباطبائی در المیزان بحث نکرده؟! معلوم میشود استیعاب نیاز داشتهایم. مقاله دوم –تفسیر المیزان و قرائات غیر متداول- را نگاه کنید؛ راهی که طی کردهاند را هم میگویند. میگویند ما ده-بیست کلید واژه را در المیزان جست و جو کردیم، همه مواردیکه ممکن بود را دیدیم. بعد آنها را ردیف کردند. جدول هایی را آوردهاند و مواردیکه ایشان حفص و مشهور را ترجیح میدهند و... . مقالات خیلی خوبی است که باید مراجعه کنید و ببینید.

شاگرد: بهمعنای در قرائت حفص ای بقیه قرائات نیست.

استاد: در مقاله دوم چون مبنایشان بر این است که حرف واحد است، میگویند ما اینها را از آقای طباطبائی گفتیم و آقای طباطبائی هم که خلاف شیعه حرف نمیزنند. شیعه میگوید حرف واحد است. میگویند ما اینها را از ایشان گفتیم اما پنج-شش سؤال میمانند. سؤالاتی که جواب ندارد. این مقاله از سال ۹۳ چاپ شده و در مجله معرفت آمده. اولین آنها در مجله پژوهش های قرآنی آمده. ما اینها را ندیده بودیم. امروز اینها را دیدم. اینها خیلی مهم است. لذا آقای طباطبائی در مهر تابان که جلسهای خصوصی بود ما حصل مفسر بودن یک عمر خود را بیان کردند، آدم میبیند که اینها

شواهدش است. پس اینطور نیست که بگویی در المیزان اشان وارد نشده‌اند. در مقالات خیلی خوب بیست مورد خلاف قرائت حفص دارند.

اما دیگری را که می‌گویی باید بحث مفصل تری شود. این آقایان هم گفته‌اند. یکی از آنها که من دیدم این است: آقای طباطبائی در ذیل آیه «إِذْ قالَ الْحَوارِيُّونَ يا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنا مائِدَةً مِنَ السَّماءِ[3]» شاید دو صفحه بحث می‌کند. اقوال مفسرین را می‌آورند و... . وقتی اشان شروع می‌کنند می‌گویند این قرائت اصلاً معقول نیست. شما گفتی در می‌کنند ای نه، این را می‌گویم. می‌گویند حواریون پیامبر اولوا العزم هستند، یعنی این اندازه خدا را قبول ندارند که می‌گویند خدای تو می‌تواند مائده نازل کند؟! به بچه بگویی که خدا می‌تواند مائده نازل کند؟ می‌گوید می‌تواند. اشان می‌گویند این چه حرفی است که شما به حواریون نزدیک پیامبر اولوا العزم که با او همراه هستند و مؤمن به او هستند بگویند خدای تو می‌تواند مائده نازل کند؟!

بعد شروع می‌کنند و می‌گویند آقایانی که می‌خواستند «یستطیع» را درست کنند مدام توجیهاتی را ذکر می‌کنند. آقای طباطبائی شاید پنج-شش توجیه می‌آورند که اینکه خدا می‌تواند یعنی چه. مدام می‌آورند «منها... منها و فیه». به اینها جواب می‌دهند. در همان ابتدا می‌گویند که این وجه معقول نیست. بعد می‌گویند قرائت دیگری دارد که «هل تستطیع ربک ان ینزل». می‌گویند که این قرائت خوب است؛ شما می‌توانید دعا بکنید تا خدای تو این کار را بکند؟! یعنی نشانه بر علو مقام شما در استجابت است؛ هل تستطیع ربک.

شاگرد: تقدیری «تسال» دارد.

استاد: اشان تقدیری «تسال» را می گویند و توضیح می‌دهند. من اصلاً در مقام خود آیه نیستم. تنها می‌خواهم نقل قول اشان را بکنم. اشان این نقد را می‌کنند و می‌گویند که این قرائت هم هست؛ «تستطیع ربک». اشان این را ترجیح می‌دهند. نسبت به مقابلش هم شاید تعبیری «لایعقل» دارند. این آقایان در این مقالات دسته‌بندی خیلی خوبی کرده‌اند. در صد را هم گفته‌اند. شاید ازده مورد ترجیح مطلق می‌دهند و دلیل آن را هم سیاق می‌گیرند. باید خودتان نگاه کنید. من می‌خواستم عبارت بخوانم وقت می‌رود. ولی چون امروز برای خود من جالب بود گفتم خدمت شما هم بگویم. شما هم در دنباله اینها بشنوید و چیزی را که چند بار در مباحثه تکرار شده بود را دیگر نگویم؛

اینکه آقای طباطبائی در منزل گفته‌اند اما نظرشان در المیزان بازتابی نداشته است. این جور نیست. اما اینکه اشان در ترجیح قرائات چه کار کرده‌اند فضای دیگری می‌خواهد. آن هنوز مانده است. این برداشتی که برخی از آقایان دارند معلوم نیست که دقیقاً با رویکرد اشان موافق باشد. چرا؟ باید در کنار آن مقاله بنویسند که مهر تابان در سال ۹۳ چاپ شده بود. شما اسمی از بیان بلند بالای علامه طباطبائی که در یک مجلس خصوصی گفته‌اند نبرده اید تا ببینید رویکرد اشان در المیزان چیست. شما آن را با دقت بخوانید و ببینید علامه چه فرموده‌اند. آنجا ته دلشان را می گویند، عبارت مهر تابان رویکرد اشان و موضع تفسیری اشان است. نه اینکه شما از سه-چهار عبارت المیزان بگویید که اشان نقد قرائات می‌کنند. یعنی قرائات را نقد پذیر می‌دانند.

این را گفته‌اند که اشان قرائات را نقد پذیر می‌دانند. درحالی‌که اشان می‌گویند من نقد پذیر نمی‌دانم. در کتاب مهر تابان گفته‌اند که خود صاحبه مصحف داشته‌اند و سماع بوده. همان چیزهایی که چندبار خوانده‌ایم.

حال برگردیم به عبارت شیخ.

شاگرد: قرار بود عبارت صاحب وسائل را بخوانید.

---

[1]الانفال ۵۹

[2]المیزان فی تفسیر القرآن ج۹ ص۱۱۴

[3]المائده ۱۱۲

بازبینی #2
ایجاد شده 16 آوریل 2024 12:24:10 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 11:37:10 توسط ... .